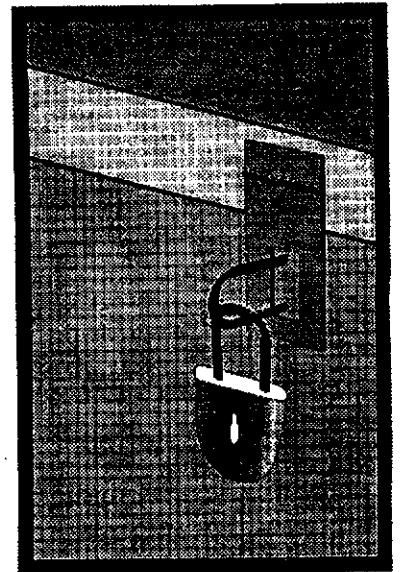


تحلیل ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی^(۱)

■ دکتر محمدجعفر حبیب زاده (دانشیار
دانشگاه تربیت مدرس)
■ حسین آقابابایی (فوق لیسانس حقوق
جزا و جرم شناسی)



چکیده

قانونگذار ایران در تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ هجری در بحث سرقت میان «سرقته» و ربودن مال غیر تفاوت قائل شده و در ماده ۶۶۵ قانون مذکور برای مواردی که ربودن مال دیگری مشمول عنوان سرقت نیست، مجازات تعزیری تعیین نموده است. علت وضع ماده مذکور تأثیرپذیری متقین از دیدگاه فقهای اسلام در بحث سرقت است که در مواردی که ربودن مال دیگری به صورت مخفیانه نباشد، عمل را سرقت نمی دانند. در عین حال با توجه به بیسیایی انواع سرقت تعزیری در قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که مخفیانه بودن ربایش شرط تحقق آنها نیست و عناوین مورد نظر فقها را هم در بر می گیرد، تصویب ماده ۶۶۵ اقدام ضروری و مفیدی نبوده است و باعث ابهامات متعددی شده است. توجه اقدام قانونگذار در تفکیک بین سرقت و ربودن مال غیر، براساس رویه مقبول در سیستم «کامن لو» مبنی بر لزوم وجود قصد مجرم کردن دائمی مالباخته از مال خود با نظام حقوقی و رویه قضائی ایران موافق نیست.

مقدمه:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ قانونگذار ایران به حکم اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر اسلامی شدن قوانین، در صدد حذف و اصلاح قوانین خلاف شرع و وضع قوانینی منطبق با موازین شرعی و فقهی برآمده و از این رهگذر در خصوص جرم سرقت ابتدا مواد ۲۱۲ الی ۲۱۸ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ به جرم سرقت مشمول حد اختصاص یافت و

سپس در سال ۱۳۶۲ ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به بیان حکم سرقته که جامع شرایط حد نبود پرداخت. در سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ قانونگذار در قوانین راجع به سرقت تحول اساسی ایجاد نمود و در فصل بیست و یکم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تحت عنوان «سرقته» سرقت و ربودن مال غیر در مواد ۶۵۱ الی ۶۶۷ به بیان انواع سرقتهای تعزیری و اقسام ربودن مال غیر پرداخت که موضوع این تحقیق بررسی ماده ۶۶۵ این قانون است. در ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که در قوانین راجع به سرقت در حقوق ایران سابقه ای ندارد، این بحث مطرح شده است که ممکن است مال شخصی ربوده شود اما سرقت صدق نکند. به عبارت دیگر قانونگذار میان «ربودن مال غیر» و «سرقته» تفاوت قائل شده است که با توجه به این که منشاء وضع این ماده متون فقهی و تعبیرات فقها در بحث سرقت و ربودن مال غیر بوده است، بیان مقصود قانونگذار و بررسی مصادیق مشمول حکم این ماده تحقیق جامعی را می طلبد که در این مقاله بنا به اقتضای مقام به این مهم پرداخته ایم.

در این نوشتار ابتدا به شرایط تحقق سرقت از دیدگاه فقها می پردازیم و سپس تعریف سرقت در مقررات موضوعه ایران را مورد بررسی قرار می دهیم و در گفتار بعد انواع و اقسام ربودن مال غیر از نظر فقها را بیان نموده و در پایان مقصود قانونگذار را از «ربایشی که سرقت نیست» مورد بررسی قرار می دهیم.

مبحث اول:

شرایط تحقق سرقت از دیدگاه فقها:
بحث سرقت در کلمات فقها در کتاب

حدود و تحت عنوان «حد سرقت» مطرح شده است و عمده بحث فقهاء در خصوص سرقت، به بیان شرایط و خصوصیات سرقت مستوجب حد اختصاص دارد و به صورت مبسوط مواردی که ربودن مال دیگری مستلزم حد قطع است را بیان می کنند و کمتر به بیان شرایط سرقت تعزیری می پردازند.

در بیان علت این امر یکی از نویسندگان معتقد است: «علما و فقها اصولاً عنایت خاصی به بیان احکام و شرایط جرایم مشمول حد و قصاص دارند و

در خصوص جرایم تعزیری این اهتمام را ندارند و شاید عذر فقها در این مسئله این باشد که اکثر جرایم تعزیری به اولی الامر و حاکم واگذار شده است و این جرایم به نسبت کشورها و نوع حکومتها متفاوت است.» (۲)

البته این دلیل برای عدم تعیین نوع و میزان تعزیر مناسب است. اما برای عدم ورود به بحث کافی نیست، همچنین رویه جاری فقها در بحث سرقت این است که تعریفی از سرقت مشمول حد ارائه نمی دهند، بلکه شرایط اجرای حد سرقت را بیان می کنند. "شہید اول" در این خصوص می فرماید: وَ يَتَعَلَّقُ الْحَكْمُ بِسَرِقَةِ الْبَالِغِ الْعَاقِلِ مِنَ الْحَرَزِ بَعْدَ هَتَكِهِ بِلَا شِبْهَةَ رِبْعٍ دِينَارٍ أَوْ قِيَمَتِهِ سِرّاً مِنْ غَيْرِ مَالٍ وَلَدَةٍ وَ لَاسِيَدَةٍ وَ غَيْرِ مَا كَوَّلَ عَامَ سَنَةٍ (۳) یعنی: «حکم قطع دست در مورد سرقت بالغ عاقل از حرز بعد از هتک آن در مواردی که شبهه ملکیت در میان نبوده و ربع دینار یا به اندازه قیمت آن به صورت مخفیانه ربوده

شود و سرقت فرزندی از مال پدر نبوده و سرقت مواد غذایی در سال قحطی هم نباشد، اجرا می شود».

و در اینجا به تناسب موضوع مقاله به یکی از شرایط اساسی تحقق سرقت مستلزم حد از دیدگاه فقها اشاره می کنیم و آن لزوم «مخفیانه بودن سرقت» است. از نظر فقها ربودن مال دیگری یا وجود سایر شرایط در صورتی که مخفیانه باشد «سرقت مستوجب حد» و در صورتی که «مخفیانه» نباشد از شمول عنوان سرقت خارج است. فقها در این خصوص تعبیرات دیگری

معنای مخفیانه بودن سرقت این است که مال از مورد خاص خویش بدون علم و رضایت مسروق منتهی نبوده شود. مثل این که سارقی اموال شخصی را از منزلش در زمان عدم حضور یا در اثناء خواب او برآید، اما اگر ربودن مال در حضور صاحب مال و بدون قهر و غلبه باشد، عملیات انجام گرفته سرقت نبوده و در معنای «اختلاس» یا «نهب» یا «غصب» داخل می شود»

دارند که به مواردی از آن اشاره می کنیم. "شہید ثانی" در "شرح لمعه" می فرماید: «لَا يَقْطَعُ الْهَاتِكُ لِلْحَرَزِ قَهراً لِأَنَّهُ لَا يَعْذُ سَارِقاً بَلْ غَاصِباً أَوْ مُسْتَلْباً» (۴) یعنی: «کسی که به صورت قهر و غلبه هتک حرز کند دستش قطع نمی شود، چون در این مورد هتک کننده حرز سارق نیست بلکه غاصب یا مستلب است». "ابن ادریس" در "سرائر" می فرماید: «حَقِيقَةُ السَّرِقَةِ اخْتِصَابُ الْعَلِيِّ جِهَةَ الْإِسْتِخْفَاءِ» (۵) یعنی: «حقیقت سرقت ربودن شیء به صورت مخفیانه است». "ابن حمزه" در "الوسيلة" می فرماید: «السَّارِقُ مَنْ أَخَذَ مَالَ الْغَيْرِ مِنْ حَرَزٍ مِثْلَهُ مُسْتَخْفِياً» (۶) یعنی: «سارق کسی است

که مال غیر را از حرز خاص خود به صورت مخفیانه برآید» صاحب جواهر" در شرح عبارت "محقق حلّی" در بیان علت عدم اجرای حد سرقت در ربایش علنی می فرماید: «لِکَوْنِهِ غَاصِباً لِأَسَارِقاً» (۷) یعنی: «رباینده علنی غاصب است، سارق نیست». در خصوص معنای مخفیانه بودن سرقت اختلاف نظر است. "شہید ثانی" در این مورد ملاک مخفیانه بودن را عدم آگاهی مالک دانسته می گوید: «مَنْ غَیْبَ شَعُورَ الْمَالِكِ بِهِ» (۸) در کتاب احکام سرقت در شریعت اسلام و قانون در این خصوص آمده است: «معنای مخفیانه بودن

سرقت این است که مال از حرز خاص خویش بدون علم و رضایت مسروق منتهی نبوده شود. مثل این که سارقی اموال شخصی را از منزلش در زمان عدم حضور یا در اثناء خواب او برآید، اما اگر ربودن مال در حضور صاحب مال

و بدون قهر و غلبه باشد، عملیات انجام گرفته سرقت نبوده و در معنای «اختلاس» یا «نهب» یا «غصب» داخل می شود.» (۹) بنابراین از دیدگاه فقها ربودن مخفیانه مال دیگری در صورت وجود سایر شرایط «سرقت مستوجب حد قطع» است و در صورتی که ربودن مال دیگری با قهر و غلبه همراه باشد و یا مخفیانه نباشد و در حضور صاحب مال و با علم و اطلاع او صورت گیرد، عملیات انجام گرفته سرقت نیست و عناوین دیگری دارد که در ادامه بحث اشاره خواهیم کرد.

مبحث دوم:

تعریف سرقت در حقوق موضوعه ایران
قبل از انقلاب اسلامی در حقوق

موضوعه ایران تعریفی از سرقت به میان نیامده بود و با توجه به این که قوانین جزایی مأخوذ از حقوق عرفی و به طور اخص مأخوذ از قانون جزای فرانسه بود، جرم سرقت در یک تقسیم بندی کلی به سرقت ساده و سرقت مشدد تقسیم می شد و مجازاتها نیز همانند مجازاتهای مذکور در حقوق جزای عرفی بود. در مقررات جزایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به موجب ماده ۲۱۲ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ سرقت این گونه تعریف شد: «سرقت عبارت است از این که انسان مال دیگری را به طور پنهانی بریابد» و در ماده ۲۱۵ همین قانون آمده بود: «سرقت در صورتی باعث حد می شود که به صورت مخفیانه انجام گیرد.»

ذکر شرط (مخفیانه بودن) در ماده ۲۱۵ با توجه به تعریف مذکور در ماده ۲۱۲ که پنهانی بودن را جزء ماهیت سرقت می داند ظاهراً لغو و زائد به نظر می رسد و لذا قانونگذار در اصلاحات سال ۱۳۷۰ این شرط را حذف نمود ولی با ابقای قید «مخفیانه بودن» در تعریف سرقت در ماده ۱۹۷ اصلاحی، این ایراد اساسی همچنان باقی ماند که با توجه به این که در قوانین و مقررات راجع به سرقت در کنار سرقت مستلزم حد که مخفیانه بودن از شرایط تحقق آن است، سرقتهای تعزیری متعددی پیش بینی شده که مخفیانه بودن ربایش در آنها لازم نیست، چنانچه تعریف ماده ۱۹۷ را تعریف سرقت به طور کلی بدانیم، تعریف جامع و مانعی نخواهد بود و چنانچه بگوییم مخفیانه بودن در مورد سرقت مستلزم حد لازم است، اما در سایر انواع سرقت مخفیانه بودن ربایش لازم

نیست، تخصیص اکثر لازم می آید که بطلان آن در علم اصول ثابت شده است، لذا نظر بسیاری از حقوقدانان این است که تعریف سرقت به «ربودن متقلبانه شیء متعلق به دیگری» تعریف جامع و مانعی است و چنانچه قید پنهانی بودن و سایر

از نظر فقها ربودن مال دیگری بنا وجود سایر شرایط در صورتی که مخفیانه باشد سرقت مستوجب حد و در صورتی که مخفیانه نباشد از مسئول عنوان سرقت خارج است.

شرایطی که در مواد ۱۹۸ تا ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی آمده است تحقق یابد، سرقت مستلزم حد است. به این ترتیب می توان گفت سرقت پنهانی مصداق اعلا و اجلای سرقت متقلبانه است. (۱۰)

مبحث سوم:

ربودن مال غیر در بیان فقهاء:

در بخش نخست بیان کردیم که ربودن مال غیر در صورتی که از حرز و به صورت

نظر بسیاری از حقوقدانان این است که تعریف سرقت به «ربودن متقلبانه شیء متعلق به دیگری» تعریف جامع و مانعی است.

مخفیانه باشد سرقت بوده و در صورت تحقق جمیع شرایط مندرج در مواد ۱۹۸ تا ۲۰۰ ق.م.ا. مستلزم حد قطع است. اما چنانچه ربودن مال غیر به صورت مخفیانه نباشد، در بیان فقها تحت عناوین دیگری مطرح شده است که به توضیح آنها می پردازیم.

الف: اختلاس - استلاب - اختطاف:

در کتاب «مصباح المنیر» آمده است:

«الاختطاف بسرعة علی غفلیة و قیل هو الاستلاب و بین المعنیین فرق واضح فان الاستلاب لا یشرط فیه السرعة و لا الغفلة، بل یتحقق بالاخذ علناً و مکابرة» (۱۱)

«اختطاف یعنی ربودن سریع در حال غفلت صاحب مال و گفته شده که اختطاف همان استلاب است و حال اینکه بین این دو واژه تفاوت آشکاری وجود دارد. چون در استلاب سرعت شرط نیست، بلکه با ربودن علنی و با استفاده از زور محقق می شود»

مرحوم صاحب جواهر در معنای استلاب می فرماید:

«ارادة نهب المال و الحرب من دون محاربة بتجريد سلاح و نحوه فهو حیثیذ متتهب و مختطف لا محارب» (۱۲)

یعنی: «مقصود از استلاب غارت مال و فرار کردن است، بدون تحقق محاربه از طریق سلاح برکشیدن و امثال آن. پس مستلزم همان متتهب و مختطف است و محارب نیست.»

ایشان در ادامه در معنای «اختلاس» می گوید: «و اما المختلس المفسر فی محکی النهایه و المهذب و السرائر بالذی یاخذ المال ظاهراً من غیر اشتهار سلاح او قهر فهو راجع الی المستلب الذی سمعت الکلام فیه» (۱۳)

یعنی «اما مختلس که در نهایت و مهذب و سرائر به کسی که مال را به طور علنی بدون سلاح کشیدن یا توسل به زور می رباید، تفسیر شده، بازگشت به معنای استلاب دارد که بحث آن گذشت.» صاحب جواهر در ادامه، کلام «شهید ثانی» در «مسالك» را که مستلزم را کسی می داند که

مال را به طور علنی ربوده و فرار می‌کند و مختلس به کسی می‌گوید که مال را مخفیانه ربوده و فرار می‌کند، بدین صورت توجیه می‌کند که مقصود «شهید ثانی» در معنای اختلاس که قید مخفیانه را آورده این است که در هنگام غفلت صاحب مال، مال را بریاید^(۱۴) که کلام صاحب «مصباح‌المنیر» که در بالا نقل شد «الاختطاف بسرعة علی غفلة مؤید نظر» صاحب جواهر است. همچنین «شیخ طوسی» در معنای «اختلاس» می‌فرماید:

«والمختلس هو الذی یتسلب الشیء ظاهراً من الطرقات و الشوارع»^(۱۵) «مختلس کسی است که شیء را به صورت علنی در راهها و شوارع می‌رباید.»

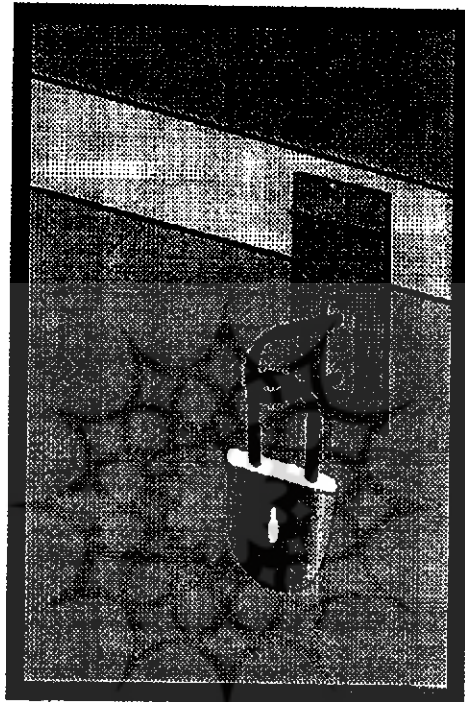
در بیان تفاوت سرقت و اختلاس در کتاب «موسوعة عبدالناصر» به نقل از علمای حنیفه آمده است «سرقت ربایش مخفیانه به اندازه ده درهم از حرز است و اختلاس ربودن علنی و سریع است و از فرقه اباضیه نقل شده است که ربودن مال از چراگاهها یا کوهها و بیابانها یا راهها، اختلاس نامیده می‌شود و سرقت دارای حد قطع است و اختلاس حد ندارد»^(۱۶)

از نظر حکم و مجازات، نظر فقهای امامیه و اهل سنت این است که «مختلس» حد قطع ندارد و مال ربوده شده از او پس گرفته می‌شود و توسط حاکم تعزیر می‌شود و دلیل آن احادیث متعددی است که از رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که «مختلس» حد قطع ندارد بلکه طبق نظر حاکم تعزیر می‌شود.^(۱۷) نتیجه اینک: اختلاس، استلاب و اختطاف به

ربودن علنی مال دیگری اطلاق می‌شود که با هم تفاوت‌هایی جزئی دارند ولی از نظر فقهی حکم مشترکی که همان تعزیر مرتکب و استرداد اموال ربوده شده باشد، دارند.

ب: خیانت در امانت:

جاحد و خائن به کسانی می‌گویند که مال امانی که به آنها سپرده شده است خواه



نیز روایاتی از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که مبنای کلمات فقها در این زمینه قرار گرفته است. از جمله «ابابصیر» از امام باقر علیهم السلام درباره افرادی که همسفر بوده و بعضی، کالای بعضی دیگر را می‌ربایند سؤال می‌کند. امام علیهم السلام می‌فرمایند: این شخص (رباینده) خائن است و حد قطع در مورد او اجراء نمی‌شود و لکن به خاطر خیانت مجازات می‌شود.^(۲۰) در حدیث دیگری از حضرت رسول ﷺ نقل شده است که فرمودند: «لیس علی خائن و لامتهب و لامختلس قطع»^(۲۱) امام صادق علیهم السلام در خصوص شخصی که به عنوان کارگر یا اجیر به منزلی دعوت شده و مرتکب سرقت شده بود، فرمودند: «هذا موتمن لیس بسارق، هذا خائن».^(۲۲) بنابراین سرقت توسط کارگر، امین، اجیر و ربودن مال عاریه توسط رهن از نظر فقها مصداق جنایت و جحد است و مجازات حد قطع نداشته و مستلزم تعزیر است.

ج - نخل (جیب بوری):

در معنای این کلمه آمده است: «النشال المختلس الخیف الیه یشق ثوب الرجل و یسل ما فیه علی غفلة من صاحبه و یعتر عنه بالطرارة»^(۲۳) یعنی: نشال رباینده‌ای است که جیب شخص را با استفاده از غفلت مالک می‌زند و به این شخص جیب بر می‌گویند.

اصطلاح فقها نیز در این باب با معنای لغوی بی‌تناسب نیست. از نظر فقهی طرارة و نشال کسانی هستند که در حالت بیداری با تردستی و مهارت اموال دیگران را می‌ربایند و تفاوت «نخل یا طر» با «سرقت»

به صورت ودیعه و خواه به صورت عاریه، ربوده و اعاده می‌کنند از بین رفته یا منکر ودیعه و عاریه می‌شوند.^(۱۸)

«صاحب جواهر» در شرح کلام «مرحوم محقق» که فرموده است «اگر امین خیانت کند به وسیله ربودن مال امانی، حد قطع ندارد» می‌فرماید «لانه لیس سارقاً، اذالمال فی یده من غیر فرق بین الودعی و غیره»^(۱۹) یعنی: چنان چه امین در امانت خیانت کند و مال را بر باید سارق نیست، زیرا مال در اختیار او بوده و تفاوتی هم میان ودیعه و غیر آن نیست. در این باب

در مسئله حرز است. بعضی از فقها میان سارق و طرار تفاوتی قائل نشده‌اند، زیرا انسان را برای لباس خویش و آنچه همراه دارد حرز می‌دانند. (۲۴) در این باب نیز در کتب حدیث، احادیث متعددی نقل شده است که در بعضی موارد به صورت مطلق فرموده‌اند که «طرار حد قطع ندارد» و در بعضی احادیث آمده است که چنانچه از جیب ظاهر بر باید حد قطع ندارد اما چنانچه از جیب باطن بر باید حد قطع دارد و در احادیثی هم به صورت مطلق آمده که طرار حد قطع دارد. (۲۵) قول مشهور میان فقها این است که چنانچه از جیب ظاهر ربوده شود حد قطع ندارد. (۲۶) بنابراین جیب بری و کف زنی در معنای متعارف و معمول آن، سرقت مشمول حد نیست و در کلام فقها تحت عنوان «نَسَال» و «طَرَار» مجازات تعزیری دارد.

د- نبش (دزدیدن کفن مرده):

«نباش» کسی است که کفن مردگان را بعد از دفن در قبر می‌رباید. (۲۷) قول مشهور میان فقهای امامیه این است که «نباش» حد قطع دارد، چون قبر برای کفن میت حرز محسوب می‌شود و در صورت تحقق سایر شرایط ربایش کفن مردگان از قبور، سرقت بوده و مستلزم حد قطع است. (۲۸) از نظر اکثر فقهای اهل سنت نیز نبش قبور و سرقت کفن اموات مستوجب حد قطع است. اما ابوحنیفه معتقد است که نباش سارق نیست، چون مالی را می‌رباید که مالک ندارد و مال باارزشی نیست و مخفیانه و از حرز بودن این عمل را مستوجب حد سرقت نمی‌کند. (۲۹)

ه- نهب (غارت):

در معنای کلمه نهب آمده است: «نَهَبَ

الشیء نهباً اخذه قهراً و النهب: الغارة» (۳۰) یعنی: «نهب غارت مال است به نحو قهر و غلبه». تفاوت میان نهب و سرقت در موضوع مخفیانه بودن و قهر و غلبه است که «نهب» مخفیانه نیست اما به طور قهر و غلبه انجام می‌شود ولی سرقت، مخفیانه است و شرط آن قهر و غلبه نیست. در کلام فقها «متنهب» حد قطع ندارد و در حدیث

بنابر این از دیدگاه فقها ربودن مخفیانه مال دیگری در صورت وجود سایر شرایط سرقت مستوجب حد قطع است و در صورتی که ربودن مال دیگری با قهر و غلبه همراه باشد و یا مخفیانه نباشد و در حضور صاحب مال و یا علم و اطلاع او صورت گیرد، عملیات انجام گرفته سرقت نیست.

«جابر» از حضرت رسول ﷺ آمده است: «لیس علی خائن ولا متنهب ولا مختلس قطع». (۳۱)

و- غصب:

از نظر لغوی غصب به معنای «تصرف چیزی به صورت علنی و ظالمانه» و از نظر اصطلاحی به معنای استیلا بر حق غیر به صورت عدوانی است و تفاوت بین غصب و سرقت این است که غصب به صورت علنی محقق می‌شود، در صورتی که در سرقت لازم است ربایش به صورت مخفیانه و از حرز مناسب باشد (۳۲) و غاصب به دلیل این که به صورت قهر و غلبه هتک حرز می‌کند سارق محسوب نمی‌شود. (۳۳) صاحب جواهر در بیان علت عدم اجرای حد

سرقت در مواردی که هتک حرز علنی باشد، می‌فرمایند: «لکونه غاصباً عرفاً لاسارقاً». (۳۴)

ز- احتیال (ربودن اموال دیگران از طریق حيله و تزوير):

به کار بردن حيله و تزوير و سندسازی و خود را فرستاده شخصی معرفی کردن یا نشان دادن دستخط یا امضای شخصی مبنی بر پرداخت وجه به ارائه کننده دستخط و غیره تحت عنوان «احتیال» در کتب فقهی مطرح شده است. (۳۵) این قبیل افراد هم سارق محسوب نشده و حد قطع در مورد آنها اجرا نمی‌شود بلکه طبق نظر حاکم تعزیر می‌شوند. (۳۶) و حدیثی که از امام صادق علیه السلام در «صحیح حلبی» مبنی بر قطع دست محتال نقل شده، بدین صورت توجیه شده که قطع دست به جهت افساد است نه به جهت سرقت و یا اینکه دستور امام علیه السلام اختصاص به مورد سؤال دارد و قابل تسری به کلیه موارد احتیال نیست. (۳۷)

ح- مُبْنَج - مُرْقِد (ربودن اموال از طریق خوردن داروی بیهوشی یا خواب آور)

«شهید اول» در «لمعه» بعد از بیان حکم مختلس، مستلب و محتال می‌فرمایند: «ولو بَنَجَ غیره اوسقی مرقداً و جنى شيئاً ضمن و عَزَرَ» (۳۸) «اگر به کسی داروی بیهوشی یا خواب آور بخوراند و بر خورنده آسیبی برسد ضامن است و تعزیر می‌شود».

از نظر لغت «بَنَج» یا «بَنَج» گیاهی است بَرَنده حس و عقل و خواب آور و «مُرْقِد» به معنای داروی خواب آور است. (۳۹) خوردن داروی بیهوش کننده یا خواب آور و ربودن مال دیگری از این طریق در کلام فقها در ذیل بحث محاربه آمده است و

از نظر ایشان «مبئج و مُرقِد» حد قطع ندارند بلکه به نظر حاکم تعزیر می‌شوند و چنانچه از طریق خوراندن دارو باعث آسیب به مجنی علیه شوند ضامن خواهند بود.

صاحب جواهر^{۲۰} در این بحث در شرح عبارت «شرایع» می‌فرماید: «چنانچه کسی که داروی بیهوشی یا خواب آور به او خورانده شود مرتکب جنایتی شود، «مبئج و مُرقِد» ضامن است به جهت این که سبب، اقوی از مباشر است.» اما در ادامه بحث، ایشان به نقل از قواعد^{۲۱} همان کلام مشهور را آورده‌اند که: چنانچه «مبئج و مُرقِد» باعث زبانی به مجنی علیه شود علاوه بر تعزیر، ضامن آسیب وارده به مجنی علیه نیز خواهد بود.^(۲۰)

پس از بررسی کلمات فقها در خصوص انواع ربایش مال غیر، ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) را که با توجه به نظریات فقها و دیدگاه فقهی قانونگذار وضع و تصویب شده از نظر تطبیق بر مصادیق مورد نظر قانونگذار بررسی می‌کنیم:

مبحث چهارم:

ربایشی که سرقت نیست:

بر اساس ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ «هرکس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد. با توجه به اینکه مفاد ماده مذکور در قوانین راجع به سرقت از مواد تأسیسی است و در کنار سرقت مستوجب حد و سرقتهای تعزیری مشدد و سرقت ساده،

قانونگذار این بحث را مطرح کرده که ممکن است کسی مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد، و با عنایت به مباحثی که در بخش قبل آوردیم که مصادیق متعددی از ربودن مال غیر در کلمات فقهای عظام مطرح شده است که عنوان «سرقت» ندارد، به نظر می‌رسد علت وضع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تأمین نظر و دیدگاه فقها در

هرکس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

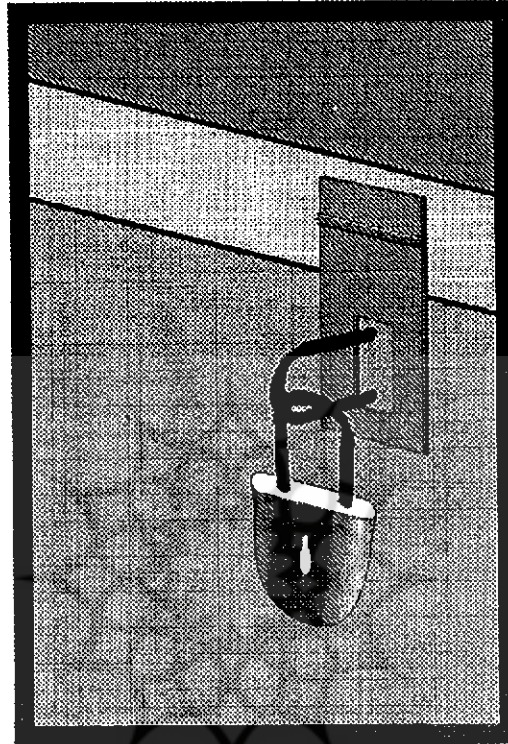
بحث سرقت، در قالب این ماده قانونی بوده است. اما به نظر نگارندگان، با توجه به این که قوانین راجع به سرقت در حقوق ایران بعد از انقلاب اسلامی ترکیبی از حقوق اسلامی و حقوق عرفی است، تصویب این ماده هیچ گونه ثمره عملی ندارد و مشخص نیست مقصود قانونگذار از تصویب این ماده چه بوده است و چه مصادیقی مشمول حکم این ماده می‌شود. در بحث تعریف سرقت گفتیم که تعریف مندرج در ماده ۱۹۷ ق.م.ا. تعریف سرقت به طور کلی نیست، بلکه فقط سرقت مستلزم حد است و بسیاری از سرقتهای تعزیری در قوانین ایران پیش بینی شده است که «مخفیانه بودن ربایش» شرط تحقق آنها نیست و در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز قانونگذار در مواد ۶۵۱ الی ۶۶۰ انواع

سرقت تعزیری از جمله سرقت مقرون به پنج شرط مشدد، سرقت مقرون به آزار، راهزنی، سرقت مسلحانه شبانه، کیف زنی و جیب بری، سرقت از مناطق آسیب دیده، سرقت وسایل و متعلقات تأسیسات عمومی و غیره را پیش بینی کرده است و در ماده ۶۶۱ نیز مقرر نموده است: «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در موارد فوق نباشد، مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.» بنابراین مصادیقی که تحت عنوان اختلاس، استلاب، اختطاف، طُزار، نَشال و غاصب در کلمات فقهای عظام مطرح شده، هر کدام به نحوی مشمول مقررات مذکور می‌گردد و لذا به نظر می‌رسد برای تأمین نظر فقها بحث در ربودن مال غیر نیازی به وضع ماده مذکور نباشد. شاهد این استنباط جمله‌ای است که صاحب کتاب «التشريع الجنائي الاسلامي» در این رابطه دارد. ایشان پس از بیان تفاوتی که میان اختلاس و سرقت مستوجب حد وجود دارد، می‌نویسد: «احکام اختلاس در شریعت دقیقاً همان احکامی است که در قانون مصر در مورد سرقت جنحه‌ای وجود دارد»^(۴۱) در کتاب احکام سرقت در شریعت اسلام و قانون آمده است: «قانونگذار مخفیانه بودن ربایش در سرقت را لازم نمی‌داند، بلکه «عدم رضایت مالک» را شرط می‌داند و لذا مصادیق سرقت، نهب و اختلاس را در باب واحدی مطرح می‌کنند. در حالی که در شریعت اسلام با توجه به تحقق معنای «مخفیانه بودن» بین این موارد فرق گذاشته می‌شود.»^(۴۲)

با توجه به شواهد فوق می‌توان گفت در مقررات راجع به سرقت در حقوق ایران نیز موارد اختلاس، استلاب، اختطاف، طزار، نشال و غیره که در منابع فقهی در ذیل بحث سرقت یا محاربه آمده و تعریف فقهی سرقت بر آنها صادق نیست، به عنوان مصادیقی از سرقت تعزیری مطرح و برای آن مجازات تعیین شده است. به عنوان مثال در ماده ۶۵۷ برای کیف زنی و جیب ببری و امثال آن مجازات تعیین شده است و در ماده ۶۵۶ سرقت خادم از مخدوم و سرقت کارگر یا شاگرد و کاروان سالار از کاروانیان و غیره مطرح شده‌اند و بعضی از مصادیق بردن مال غیر در کلام فقها با توجه به تفکیک و تقسیم بندی جرایم علیه اموال، در بحث کلاهبرداری و خیانت در امانت بررسی می‌شوند. به این معنی که به کار بردن حيله و تزویر و یا سند سازی و یا خود را فرستاده شخصی معرفی کردن و از راه مانورهای

مقابلانه مال دیگری را بردن که در کلمات فقهاء «احتیال» نامیده شده در حقوق موضوعه ایران در فصل کلاهبرداری و بردن مالی که در دست شخصی امانت است در فصل «خیانت در امانت» بررسی می‌شود. یکی از اموری که می‌توان گفت از مصادیق بارز ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است و ظاهراً مشمول مقررات راجع به سرقت نمی‌شود، مواردی است که مرتکب با خوراندن داروهای بی‌هوشی یا خواب آور مال دیگری را می‌رباید که در کلمات فقها به عنوان «مبئج

و مُرْقِدَه مطرح شده است و برای مرتکب آن تعزیر قائل شده‌اند و چنانچه این اقدام باعث ایراد صدمه‌ای به مجنی علیه شود از نظر فقهی ضامن است. هرچند ممکن است گفته شود که این موارد در حال حاضر مشمول مواد ۶۵۶ یا ۶۵۷ ق.م.ا. قرار



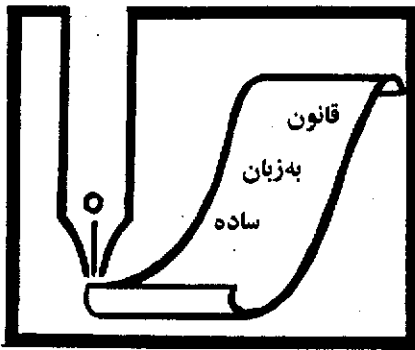
می‌گیرند و در غیر این صورت با وجود ماده ۶۶۱ که به صورت مطلق برای هر نوع سرقت خارج از قالب مواد قبل، مجازات تعیین نموده نیازی به وضع ماده جدیدی نیست. به هر حال بایستی منتظر ماند تا بینیم رویه قضائی مواردی را با این ماده تطبیق خواهد داد یا خیر. به رغم ابهامات مذکور این استدلال که «قصد محروم کردن دائم، (سوءنیت خاص لازم برای تحقق جرم سرقت) است؛^(۴۳) با رویه قضائی و چنین نظام حقوقی ایران موافق نیست و چنین برداشتی تحت تأثیر حقوق انگلیس

صورت گرفته است که در قانون سال ۱۹۶۸ در تعریف سرقت آورده است: «یک شخص متهم به سرقت است؛ اگر به طور مقابلانه مال متعلق به دیگری را به قصد محروم کردن دائمی او از آن مال، تصاحب کند...»^(۴۴)

از نظر رویه قضائی ایران برای تحقق ربودن، اثبات ید بر مال غیر بدون رضایت او کافی است به شرطی که منجر به بردن مال مذکور شود و برای تحقق این امر، وضع ید و بردن مال غیر باید از روی قصد و اراده باشد و شرط دیگری که به عنوان (قصد محروم کردن دائمی دیگری از مال وی) در حقوق انگلیس مطرح شده، در رویه قضائی ما پذیرفته نشده است.^(۴۵)

نتیجه‌گیری:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قانونگذار سعی در اسلامی کردن قوانین جزایی داشته و در تعریف سرقت و پیش‌بینی مجازات قطع دست، نظریات فقها را مدنظر قرار داده است و نظر به اینکه از دیدگاه فقها میان سرقت و ربودن مال غیر تفاوت وجود دارد و ربودن مال غیر در صورتی که مخفیانه و از حرز باشد «سرقت» و در غیر این صورت تحت عناوین دیگری قرار می‌گیرد، قانونگذار در تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۶۵ براساس دیدگاه فقها میان سرقت و ربودن مال غیر تفاوت قائل شده و برای ربایشی که سرقت نیست، مجازات تعیین نموده است، اما مصادیق مشمول حکم مناده مذکور را بیان ننموده



قانون به زبان ساده

هرگاه برای تربیت اطفال برهنگار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بآسانی به میران و مصلحت باشد.

تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی

هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض زیا ماموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر فوری الترفیح عملی انجام دهد که حرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.

۱- دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد.

۲- عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد.

۳- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی

هرگاه زن یا مرد زنی قبل از اقامه شهادت توبه نماید، حد از او ساقط می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود.

ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی

هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد

الاعلی للثنون الاسلامیه، ص ۸۸
 ۱۷- محمدبن الحسن، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، چاپ سوم، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۶ هـ، ص ۵۰۲
 ۱۸- الموسوعة الفقهیه، ج ۲۴، وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، ص ۲۹۳
 ۱۹- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۴۸۸
 ۲۰- محمدبن الحسن، حرعاملی، پیشین، ص ۵۰۹
 ۲۱- احمد، الکیسی، پیشین، ص ۸۴
 ۲۲- محمدبن الحسن، حرعاملی، پیشین، ص ۵۰۶
 ۲۳- الموسوعة الفقهیه، پیشین، ص ۲۹۳
 ۲۴- همان
 ۲۵- محمدبن الحسن، حرعاملی، پیشین، ص ۵۰۶
 ۲۶- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۰۴
 ۲۷- الموسوعة الفقهیه، پیشین، ص ۲۹۳
 ۲۸- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۱۵
 ۲۹- الموسوعة الفقهیه، پیشین، ص ۲۹۴
 ۳۰- همان
 ۳۱- احمد، الکیسی، پیشین، ص ۸۴
 ۳۲- الموسوعة الفقهیه، پیشین، ص ۲۹۳
 ۳۳- زین الدین بن علی، الجبعی العاملی، پیشین، ص ۲۳۴
 ۳۴- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۴۸۸
 ۳۵- محمد، کلاتر، تعلیقه شرح لمعه، ج ۹، ص ۳۰۴، محمدجعفر حبیب زاده، کلاهداری در حقوق ایران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۷۴، ص ۲۴ و ۲۵
 ۳۶- سیدروح الله، خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۴۵۵
 ۳۷- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۹۸
 ۳۸- محمدبن جمال الدین، مکی العاملی، پیشین، ص ۳۰۵
 ۳۹- احمد، سیاح، فرهنگ دانشگاهی، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۲
 ۴۰- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۹۹
 ۴۱- عبدالقادر، عوده، پیشین، ص ۵۱۴
 ۴۲- احمد، الکیسی، پیشین، ص ۷۳
 ۴۳- حسین، میرمحمدصادقی، نگاهی به تغییرات ایجاد شده در جرایم مالی به موجب قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، مجله کانون وکلای، ش ۱۱، ص ۱۳۷۶، ص ۳۱۰
 43-smith and hogan, criminal law, butterworths, sixth edition, 1988, P 490
 ۴۵- برای توضیح بیشتر به منبع زیر مراجعه شود: حقوق جزای اختصاصی، محمدجعفر حبیب زاده، انتشارات بهمن، ۱۳۷۴، صص ۲۷-۲۰

است. به نظر نگارندگان با توجه به اینکه در قانون مجازات اسلامی در کنار سرقت مستوجب حد، انواع مختلف سرقتها تعزیری که مخفیانه بودن ربایش شرط تحقق آنها نیست؛ پیش بینی شده و عناوین مذکور در کلام فقها از جمله اختلاس، استلاب اختطاف و... در قالب مواد مذکور قابل تعقیب و مجازات است، وضع و تصویب ماده ۶۶۵ مذکور، آن هم با عباراتی مبهم و غیروافی به مقصود، اقدامی مطلوب و ضروری نبوده است.

پی نوشتها:

۱- به نقل از مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶، بهار ۱۳۷۸
 ۲- عبدالقادر، عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، چاپ سیزدهم، بیروت، مؤسسه رسالت، ۱۹۹۴ م، ص ۵۱۴
 ۳- محمدبن جمال الدین، مکی العاملی (شهید اول) اللمعة الدمشقیه، قم، دارالهادی، ۱۴۰۲ هـ-ق
 ۴- زین الدین بن علی، الجبعی العاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه، قم، دارالهادی، ۱۴۰۳ هـ-ق
 ۵- علی اصغر، مروارید، سلسله الینایع الفقهیه، ج ۲۳، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه شیعه، ۱۹۹۳ م، ص ۲۵۴ به نقل از سرائر
 ۶- همان، ص ۳۱۶، به نقل از وسیله
 ۷- محمدحسن، نجفی، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م، ص ۴۸۸
 ۸- زین الدین بن علی الجبعی العاملی، پیشین، ص ۲۲۱
 ۹- احمد، الکیسی، احکام السرقة فی الشریعة و القانون، چاپ اول، بغداد، چاپخانه ارشاد، ۱۹۷۱ م
 ۱۰- محمدجعفر، حبیب زاده، حقوق جزای اختصاص (جرایم علیه اموال)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۳، ص ۱۸
 ۱۱- احمد بن محمدبن علی، المقرئ القنوی، مصباح المنیر، چاپ اول، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۵ هـ-ق
 ۱۲- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۹۶
 ۱۳- همان، ص ۵۹۷
 ۱۴- همان
 ۱۵- محمدبن اردیس، حلی، سرائر، ج ۳، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ هـ-ق، ص ۵۲۲
 ۱۶- موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۴، مصر، مجلس